

در میزگرد کارشناسی «طبیعت ایران» تأکید شد مدیریت مراتع، نیازمند تدوین نقشه راه جدید

گفت و گوی

چالشی این شماره نشریه «طبیعت ایران» درباره چالش‌های مدیریت مراتع ایران و راهکارهای خروج از آنها است. میهمانان این گفت‌وگو آقایان دکتر حسین ارزانی، عضو هیئت علمی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، مهندس عبداللّه ابوالحسن نیا و مهندس جواد مقیمی، کارشناسان پیشکسوت بازنشسته و مجرب سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و مهندس محمد فیاض، رئیس بخش تحقیقات مرتع و عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور هستند. این گفتگو توسط دبیر تخصصی بخش «گفتگوهای چالشی» نشریه طبیعت ایران، آقای دکتر احمد رحمانی، انجام شده است.

از نظر کارشناسان منابع طبیعی، پوشش گیاهی مراتع کشور روندی تخریبی داشته و توان اکولوژیک آن رو به کاهش است. از این رو بررسی ابعاد مختلف این روند و آسیب‌شناسی آن توسط کارشناسان مربوطه و ارائه راهکارهای لازم به مراکز تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نظام، امری ضروری به نظر می‌رسد. بررسی این موضوع در گفت‌وگوی کارشناسی با توجه به ابعاد و پیچیدگی آن حکایت از ضرورت تداوم بحث و تبادل نظر کارشناسی در نشست‌های علمی دیگر دارد.

طبیعت ایران: چالش‌های اساسی مدیریت مراتع ایران چیست؟ چرا روند تخریب مراتع کشور سیر صعودی دارد؟ آیا مشکلات مربوط به قوانین موجود است یا اجرای قوانین؟ یا این وضعیت پیامد مسائل دیگری است؟

مهندس ابوالحسن نیا: در بیشتر کشورها مراتع در اختیار حکومت‌ها است. حتی در کشورهای هم‌جوار نیز مدیریت مراتع در اختیار دولت است. در کشور ما از دوره صفویه به بعد بحث مراتع، عشایر و دام مطرح شد. از سال ۱۳۰۷ که



مهندس محمد فیاض



مهندس عبداللّه ابوالحسن نیا



مهندس جواد مقیمی



دکتر حسین ارزانی



به صراحت

ماده قانونی دارد.

به این صورت که تمام

دستگاه‌های اجرایی که قصد انجام

طرح عمرانی را دارند ابتدا باید از منابع

طبیعی زمین بگیرند و اگر منابع طبیعی در آن

نقطه زمین نداشته باشد، آنگاه می‌توانند زمین

بخرند. یعنی با این روال در اصل تمام طرح‌های

عمرانی به اراضی ملی سوق داده شده است. بیشتر

زمین‌های واگذار شده، جزو مراتع هستند.

برای همین بحث واگذاری‌ها، مراتع کشور

را به شدت مورد تهدید قرار داده است.

قانونی با موضوع حقوق دامدار در

گذشته مطرح شده بود. امروزه نیز یا مجوز

به بسیاری از افراد داده نمی‌شود یا اینکه

تعدادی از افراد حقوق دامدار را خریده و

برای آن مجوز واگذاری مراتع می‌گیرند.

سپس در ادامه پروانه را باطل کرده و

عرصه را به طرح‌های صنعتی و عمرانی

واگذار می‌کنند. برای همین مراتع ما

با این قوانین متضاد

رو به رو

است که متأسفانه قوانین فقط به نفع افراد نوشته می‌شود. برای نمونه قانون رفع موانع تولید به تازگی تصویب شده که براساس آن هر روز هزاران متر مربع از عرصه‌های ملی آزاد را می‌توان به مردم داد و از سند منابع طبیعی کم کرد! متأسفانه دستگاه متولی منابع طبیعی هم این مسئله را تأیید می‌کند. امروزه ما با این مشکلات مواجه هستیم و سازمان‌های مسئول منابع طبیعی کشور بیشتر فعالیت‌های خود را بر واگذاری متمرکز کرده‌اند تا احیا، اصلاح و حفاظت.

طبیعت ایران: آیا مشکلاتی که جناب عالی اشاره کردید به دلیل در اولویت نبودن منابع طبیعی برای مسئولان مربوطه است؟

مهندس ابوالحسن‌نیا: بنده از ابتدای تهیه برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور که بعد از انقلاب اسلامی تدوین شده است در بخش مرتبط با منابع

کشور دارای قوانین مدونی می‌شود بحث عرصه‌های منابع طبیعی به ویژه جنگل وارد قوانین ثبتی شدند. در واقع همان موقع قانون ثبت جنگل‌ها به نام اشخاص ممنوع می‌شود یا به حکام وقت گفته می‌شود که باید اطلاع کاملی از وضعیت جنگل، چمنزار و مراتع کشور داشته باشند و بر آنها نظارت کنند. از سال ۱۳۲۰ به بعد بخش مرتع به شکل خاصی خود را نشان می‌دهد. این جانب برای اولین بار در استان اردبیل، دشت مغان متوجه پروانه چرای شدم که در سال ۱۳۲۲ توسط وزارت کشور صادر شده بود. در سال ۱۳۲۵ پروانه چرای دام دارای عکس دامدار بوده و دامدار و چوپان در این پروانه مشخص و تفکیک شده بودند. در واقع در پروانه چرا، قید شده بود که چوپان و دامدار دارای پروانه چه کسی است. بعد از انقلاب تعداد زیادی از چوپان‌ها دامدار شناخته شدند در صورتی که چوپانی یک شغل و حرفه محسوب می‌شود.

در سال ۱۳۴۲ اولین دستورالعمل ممیزی مراتع تدوین و مدیریت و نظارت بهره‌برداری از مراتع به طور کامل در اختیار دولت قرار گرفت. دریافت علف‌چر در پروانه چراهایی که از سال ۱۳۴۲ به بعد صادر شده بود، ممنوع شد و تا چند سال پیش این ممنوعیت ادامه داشت. اکنون تحت عنوان تمدید پروانه چرا مبلغی از دامدار دریافت شده و به خزانه ریخته می‌شود. پس از تشکیل وزارت منابع طبیعی هیئت‌های ممیزی به شکل قانونی تر شناسایی شدند و فعالیت آنها تاکنون نیز ادامه داشته‌اند. براین اساس چندین دستورالعمل نوشته شده که آخرین آن در سال ۱۳۹۵ تدوین شده و مورد استناد و عمل است.

خوشبختانه به طور تقریبی بیش از ۹۰ درصد مراتع کشور ممیزی شده است. در مراتع عرفی و عشایری مشکلات ما کمتر از مراتع روستایی است. بیشتر معضلات کشور در این زمینه مربوط به مراتع روستایی است. مراتع عمومی بهره‌بردار مشخصی دارند و تعداد افراد مشخصی از آنها استفاده می‌کنند، ولی در روستا مراتع در اختیار شورا است و شورا هر کاری که دوست داشته باشد می‌تواند انجام دهد! امروزه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات مراتع وجود قوانین متضاد با یکدیگر است. بعد از انقلاب اسلامی که لایحه واگذاری اراضی به تصویب رسید بحث واگذاری‌ها به شکل شفاف مطرح شد. در سال‌های گذشته هنگام تدوین تجارب سی ساله در سازمان، به مورد جالبی برخورد کردم که ذکر آن خالی از لطف نیست. قبلاً واگذاری اراضی بسیار سخت بوده و مراحل متعددی داشت؛ به طوری که برای واگذاری یک هکتار از اراضی بین جاده تهران و کرج به اردوگاه آموزش و پرورش، ابتدا وزارت کشاورزی موافقت می‌کرد، سپس در هیئت دولت و مجلس سنا تصویب می‌شد و در خاتمه شخص اول مملکت تأیید می‌کرد تا یک هکتار از اراضی ملی را آن‌هم به صورت اجاره به آموزش و پرورش بدهند. در حالی که امروزه متأسفانه هزاران هکتار مراتع ملی چه دامدار داشته باشد یا نه به راحتی واگذار می‌شود. طبق آمار غیررسمی، هر سال حدود ۴۵۰ هزار هکتار از اراضی ملی کشور به مردم یا دستگاه‌های دولتی واگذار می‌شود که منشأ آن از لایحه واگذاری اراضی بوده و



طبیعی حضور داشته‌ام. در تمامی برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور، کشاورزی و منابع طبیعی در اولویت سوم به بعد قرار داشته است. در واقع می‌توان گفت که کشاورزی و منابع طبیعی برای دولت‌ها اهمیتی ندارد. ابتدا خدمات و صنعت در اولویت بوده و مورد سوم یا چهارم می‌تواند کشاورزی و منابع طبیعی باشد. در اصل خود دولت نمی‌خواهد این کار را انجام دهد.



براساس قوانین انگلیس، در این کشور از ۲۰۰ سال پیش تاکنون هیچ مزرعه‌ای تقسیم نشده است و براساس قوانین وراثتی پس از مرگ مالک، مزرعه تنها به پسر بزرگ خانواده می‌رسد و اجازه تفکیک داده نمی‌شود. بزرگ‌ترین آفت در بخش کشاورزی تفکیک و تبدیل اراضی است. ما هزاران هکتار از باغ‌ها و اراضی خوب و حاصلخیز کشورمان را به شهر تبدیل کرده‌ایم. براساس ماده ۱۰ قانون زمین شهری تمام مراتع اطراف شهرها به زمین شهری تبدیل شده است؛ درحالی که در قانون زمین شهری به اراضی مناسب احداث مسکن اشاره شده است. برای نمونه اراضی شهر پردیس، همه ملی هستند. در کشور متأسفانه در اراضی ملی هر

کاری می‌توانند انجام دهند و حتی مناطق حفاظت‌شده به‌بانه توسعه مورد تجاوز و واگذاری قرار می‌گیرند. برای ساخت اتوبان اولین قربانی، اراضی ملی هستند.

طبیعت ایران: آقای مهندس مقیمی، نظر جناب‌عالی در مورد مشکلات فعلی مراتع چیست و ریشه مشکلات از کجا ناشی می‌شود؟

مهندس مقیمی: مطالبی را که آقای مهندس ابوالحسن‌نیا عنوان کردند را می‌توان از دو زاویه مورد بحث قرار داد؛ یکی مسئله بهره‌برداری و مسائل و مشکلات آن است که ما با آن مواجه هستیم و دوم تغییر کاربری‌ها که ایشان مطرح کردند. مرتع یک اکوسیستم پویا است ولی در ایران پس از انقلاب به زمین مرتع به‌عنوان اراضی موات نگاه شده است و موات را باید حضانة کرد. مرده‌ای که باید آن‌را زنده کرد. پس مشکل اول نوع نگاه به مراتع است. در دوره‌های قبل از سال ۱۳۴۱ همه املاک متعلق به سلطان بوده است. سلطان هم همه کاره بوده و می‌توانسته املاک و مراتع که موات تصور می‌شده را ببخشد یا بگیرد. پس از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع تا سال ۱۳۵۷ این قضیه منتفی اعلام شد. بعد از مدتی مجدداً نگاه مسئولان به مرتع به‌عنوان موات و همان نگاه قبلی برگشت. از سال ۱۳۶۱ که قانون احیای اراضی نوشته شد و با اراضی ملی و مرتع به‌صورت اراضی موات برخورد شد این دیدگاه سرعت بیشتری به این موضوع داد.

با همین نگاه است که قانون تبدیل اراضی شیب‌دار، (که اکثراً جزو مراتع خوب ما هم هستند) به باغ نوشته و ابلاغ می‌شود. این قانون اخیراً مصوب شده و در بسیاری از استان‌ها از جمله کردستان و کرمانشاه در حال اجرا است. امروزه اگر مسئولین تدبیر صحیحی برای این موضوعات نداشته باشند و با همین دیدگاه به مراتع نگاه کنند اتفاقات فاجعه‌باری خواهد افتاد. با توجه به مسائل آبی کشور و خشکسالی‌ها در شرایطی که باغ‌های آبی در حال خشک شدن بوده و فقط ده درصد باغ‌ها دیم هستند، تبدیل اراضی ملی و مراتع به باغ چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ آیا به‌جز تصرف اراضی و در انتها تبدیل کردن آنها به ویلا در آینده هدف دیگری می‌توان برای آن متصور شد؟ این موضوع ناشی از همان تصورات و دیدگاه غلط در اراضی مرتعی است و به بیان دیگر نداشتن دیدگاه اکولوژیک به منابع ملی و مراتع و برعکس درخوش‌بینانه‌ترین حالت، فقط و فقط، دیدگاه کشاورزی به مراتع و منابع ملی است. در مورد مسئله بهره‌برداری دام از مرتع در تصویب قانون جنگل‌ها و مراتع کشور در سال ۱۳۳۸ به موضوع بهره‌برداری اراضی مرتعی اشاره شده است. در واقع سازمان جنگل‌بانی براساس ماده ۴۵ مشخص می‌کند که



دام‌ها چه زمانی به مرتع بروند، کی برگردند و چه تعدادی استفاده کنند؟ اولین بار است که دولت وارد این مباحث می‌شود. البته آن موقع، هم که دام کم بود و هم مدیر خوبی از مرتع بهره‌برداری می‌کرد.

بعد از آن در سال ۱۳۴۲ اولین ضابطه بهره‌برداری از مراتع بعد از ملی شدن نوشته شده و در سال ۱۳۴۸ مجدداً ضوابط و شرایط چرای دام در مراتع به‌طور مشروح تدوین شد. در واقع در این ضابطه به‌طور مشروح چگونگی شناسایی دامدار و تعلق دام به مرتع‌دار آمده است. با این مقدمه شروع به ممیزی کردند. در سال ۱۳۶۲ و بعد از انقلاب، دستورالعمل‌هایی نوشته شد که پیامد آن به یک‌باره تعداد زیادی دامدار به وجود آمد و متأسفانه هنوز هم آثار زبان‌بار آن بر چهره مراتع دیده می‌شود. این فشارها روی مراتع تا سال ۱۳۶۹ وجود داشت که در ادامه باعث شد دستورالعمل نسبتاً خوبی در سال ۱۳۸۰ نوشته شود. البته آخرین شیوه بهره‌برداری در سال ۱۳۹۵ ارائه شد و تکامل یافت. برخی مشکلات این دستورالعمل‌ها به‌مرور اصلاح و بسیاری از موانع آن برطرف شد. مثلاً بعد از ملی شدن جنگل‌ها (۱۳۴۱) گفته شد که حق علف‌چر گرفته نشود یا مراتع غیرقابل انتقال هستند، سپس با مشکلات به وجود آمده اجازه انتقال مراتع طی ضوابطی داده شد. هدف آنها این بود که تعداد دامدار زیاد نشود.

اعتبارات و کمبودها کارشناس بخش مرتع عملاً نمی‌تواند کاری برای مدیریت چرا یا فعالیت‌های دیگر مرتع انجام دهد. مشکلات مراتع روستایی بسیار حادث‌تر است. قوانین مربوط به این مراتع تقریباً شبیه قوانین مراتع عشایری است با این تفاوت که شورای روستا، رئیس آن است؛ یعنی ما عملاً در مورد مراتع روستایی، نقش چندانی نداریم. روستایی‌ها از اول بهار به آفتاب‌رو رفته و تا زمستان می‌توانند در مراتع بمانند. در نتیجه مراتع روستایی به شدت فرسوده شده و اکوسیستم مراتع روستایی به سرعت رو به تخریب می‌رود. باید فکری به حال مراتع روستایی کرده و مسئولانه با آنها برخورد کرد. یکی از راهکارها استفاده از بخش‌داری‌ها و تحت فشار قرار دادن آنها است تا بتوان مدیریت بر این مراتع ارائه کرد. به عبارت دیگر هم‌اکنون مراتع روستایی تقریباً کنترل نمی‌شود.

طبیعت ایران: جناب مهندس مقیمی چگونه می‌توانیم در شرایط فعلی بر این مشکلات فایق آییم؟ ما در گذشته طرح‌هایی مثل طرح مرتع‌داری یا تعادل دام و مرتع را داشتیم. چرا در عمل این طرح‌ها ناموفق بودند؟

در مجموع با دستورالعمل‌های جدید مشکل چندانی نداریم ولی وقتی به مرحله اجرا می‌رسیم با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌شویم. با این قوانین و مدل تشکیلاتی (سیستم دولتی) شاید همیشه این مشکل را داشته باشیم. شاید خارج شدن از سیستم دولتی راهکاری برای حل این مشکلات باشد. پروانه چرا را به کسی داده‌ایم که طبق ضوابط مشخصی بهره‌برداری کند ولی آیا این‌گونه عمل می‌شود؟ از طرفی دستگاه اجرایی باید اعتبارات و امکانات کافی داشته باشد. دستگاه اجرایی به هر دلیلی نتوانسته دستورالعمل‌های مربوط به کنترل چرا در طبیعت را اجرا کند و چون اجرا نکرده در مدیریت مراتع هم موفق نبوده است. مثلاً مراتع قشلاقی که پروانه چهارماهه دارند معمولاً حدود ۹ ماه مجبور به حضور دام هستند و کسی هم نمی‌تواند دامدار را بیرون کند. این روش مدیریتی غلط است و باید با راهکار دیگری با این مسائل برخورد شود. حدود ۲۰ سال پیش طرح مدیریت چرا مطرح شد و متعاقب آن توانستیم کنترل فصل چرای مراتع بیلاقی را عملیاتی کنیم. در واقع در بحث نظارت توانستیم بخشی از مشکلات مدیریت مراتع بیلاقی را حل کنیم که تقریباً کار موفق‌تری بود.

همچنین اعتبارات دفتر فنی مرتع در برنامه چهارم به‌طور متوسط سالانه ۱۲/۵ میلیارد تومان بوده و حالا پس از ۲۰ سال به حدود ۴/۷ میلیارد تومان کاهش یافته است. در واقع با این



مهندس مقیمی: در مورد طرح‌های مرتع‌داری برای نزدیک به ۳۴ میلیون هکتار طرح تهیه شده که ۱۸/۵ میلیون هکتار آن مصوب شده و فقط ۱۳ میلیون هکتار در دست اجرا است. اثربخشی این عملیات در اراضی مرتعی بسیار محدود بوده است. این طرح‌ها به‌طور عمده به‌صورت دولتی تهیه شده و اجرا و نظارت نیز دولتی است. شیوه نگرش دولتی موجب دخالت نکردن مؤثر بهره‌برداران شده و چندان مورد اقبال آنها واقع نشده است. ذی‌نفعان اغلب با این رویکرد بیگانه‌اند و آن را باور ندارند و حتی در مواردی



اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها بوده است. طرح تعادل دام و مرتع هم در سال ۱۳۸۰ تهیه شد و برای یک دوره ۱۰ ساله به‌تصویب رسید و در برنامه سوم توسعه کشور گنجانده شد. این طرح کاملاً پیشرو بوده و به‌خوبی در آن سعی شد با استفاده از تجربیات، سیاست‌ها و روش‌های اجرایی گذشته و دیگر عوامل مؤثر بر مدیریت پایدار مراتع، معضلات و روش‌های رفع آنها نیز یکپارچه و جامع نگریسته شود. با اینکه بخش‌های مشارکت، آموزش و ترویج در طرح مذکور لحاظ شده بود اما باز هم این طرح‌ها در قالب تفکرات دولتی تهیه و موارد مثبت اشاره شده در آنها بسیار کم‌رنگ شد. متأسفانه این طرح که رویکرد آن می‌توانست شروع راهبرد جدیدی برای مدیریت مناسب و پایدار مراتع کشور باشد به‌دلیل قضاوت شتاب‌زده و شاید تا حدودی بداخلاقی برخی کارشناسان اعم از دولتی و غیردولتی از همان ابتدای اجرا با اشکال مواجه و متوقف شد.

طبیعت ایران: شما به دو موضوع مشارکت و اقتصاد اشاره کردید. اهمیت این دو مقوله در مدیریت مراتع چیست؟

مهندس مقیمی: در جهان، مدیریت منابع طبیعی به‌صورت تکاملی، رویکردها و مراحل را طی کرده و از مرحله کلاسیک صرفاً اقتدارگرا (تا حدود سال ۱۹۷۰) توسط دولت‌ها، به‌مرور به سمت مدیریت مشارکتی جوامع محلی حرکت کرده است. نباید فراموش کرد که امروزه موضوع حکمرانی منابع طبیعی (Governance of Natural Resources) مقوله‌ای جاافتاده و بسیار بااهمیت است که ما هم‌گیزی از آن نداریم جز اینکه از چهارچوب‌های آن باخبر شویم و منطبق با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بومی از آن استفاده کنیم.

در رویکرد مشارکتی، جامعه در فرایند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و تدوین سیاست‌ها مشارکت فعال دارد. همچنین اقتصاد و معیشت جوامع محلی به‌عنوان یک اصل اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد. دانش محلی به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر در برنامه مدیریت دیده می‌شود. ترویج مدیریت شفاف مورد توجه قرار می‌گیرد و بالاخره یک جامعه پاسخگو را در برنامه‌های اجراشده، ایجاد می‌کند.

در برنامه‌های فعلی متأسفانه هنوز تقریباً همان رویکرد اقتدارگرایانه دولتی اما این‌بار بدون پشتوانه‌ها و ضمانت‌های اجرایی اجرا می‌شود؛ در نتیجه در نظام حاکم بر مدیریت عرصه‌های مرتعی در روابط اجتماعی نه‌تنها رویکرد منطقی و خردمندانه برقرار نشده بلکه تا حدودی خلأ مدیریت نیز مشهود بوده که خود یکی از دلایل جدی و اساسی تخریب مراتع است.

در مورد موضوع اقتصاد می‌توان گفت که امروزه اصلی‌ترین علت پایداری مراتع جنبه اقتصادی آن برای بهره‌برداران و دامداران است. هرچند برخی مراتع علاوه‌بر تولید علوفه، کارکردها و استفاده‌های دیگری نیز دارند ولی در شرایط فعلی در تمامی مراتع کارکرد اصلی این منابع، گله‌داری و پرورش دام با استفاده از علوفه آن بدون توجه به جنبه‌های پایداری و تولید است. انتظار بیهوده‌ای است، از مرتع‌دار و دامدار که اقتصاد ضعیفی دارد و اولویت اولش حفظ دام است بخواهیم که اولویت اول خود را به حفظ و پایداری مراتع اختصاص دهد. بیشتر دامداران دارای اقتصاد ضعیف و معیشتی بوده و از این نظر به‌شدت آسیب‌پذیر هستند. بنیان این اقتصاد معیشتی به منابعی وابسته است که هم بنا به ماهیت وضع فعلی مراتع و هم به‌سبب ریسک‌های احتمالی به آن (شرایط بازار، بروز خشکی و خشکسالی) از دامنه نوسانی عدم قطعیت شدید برخوردار بوده و به بیان دیگر این شیوه معیشت مطلقاً پایدار نیست. اگر در

منجربه تضاد و تقابل بین بخش دولتی و مجریان طرح‌ها شده است. یک تحلیل کلی حاکی از آن است که طرح‌های مذکور به‌لحاظ فنی و اکولوژیک دارای مشکلات کمتری بوده اما اساسی‌ترین اشکال در زمینه موفق نشدن آنها، نبود توجه کافی و وافی به مسائل اقتصادی،

یک جمع‌بندی کلی بخواهیم که مسائل مرتع و مرتع‌داری کشور را حل کنیم. بایستی راهبردی داشته باشیم که در آن سه موضوع را مدنظر قرار داده و آنها را اجرایی کنیم که عبارتند از: پایداری اکولوژیک، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی مرتع‌داران. حال سؤال این است که آیا سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور با این وظایف و بنیه نحیف و ضعیف می‌تواند این‌ها را عملیاتی کند؟ پاسخ به نظر منفی است و باید فکر دیگری کرد.

طبیعت ایران: آقای دکتر ارزانی، جناب‌عالی که سال‌هاست در زمینه مرتع تدریس و تحقیق می‌کنید و رئیس انجمن علمی مرتع‌داری هم هستید مشکلات این حوزه را چگونه دسته‌بندی می‌کنید و راه‌حل را در چه می‌دانید؟

دکتر ارزانی: زمانی تیم کارشناسی منسجمی داشتیم که براساس برنامه‌های توسعه کشور قانونی را نوشتند که در دولت و مجلس تصویب شد. امروزه با توجه به تغییر سیاست‌های کشور و برنامه‌های توسعه‌ای به یک تیم کارشناسی متناسب نیاز است. برای نمونه با توجه به کاهش اعتبارات موجود در بخش مرتع یکی از راه‌های تأمین اعتبار استفاده از ظرفیت‌های آن است. آیا تا به حال اتفاق افتاده که کارشناسان گردهم جمع شوند و در این مورد صحبت کنند؟ در واقع متخصصان مرتع در جایگاه خود نیستند. ما باید توانمندی‌های خودمان را ثابت کنیم تا کسی بدون مشورت، به خود اجازه ندهد تا در مورد اراضی شیب‌دار تصمیم بگیرد و مجوز تغییر کاربری مرتع به بهانه ایجاد باغ را صادر کند. در رابطه با قوانین، تیم کارشناسی منسجم و معتقدی نیاز است. زمانی که قانون مربوط به مرتع را وضع می‌کردیم ۱۵ میلیون نفر جمعیت داشتیم در حالی که امروزه جمعیتی معادل ۸۰ میلیون نفر داریم. در رابطه با توسعه هم، برنامه‌های توسعه‌ای مانند برنامه پنج ساله ششم

را داریم. کشور نیاز به توسعه دارد ولی نباید به بهانه توسعه، بخش کشاورزی را از بین ببریم و به منابع پایه را تبدیل کنیم. همچنین به بهانه حفظ منابع پایه نیز نباید جلوی توسعه را بگیریم بلکه باید بین آنها تعادل ایجاد کنیم. آقای مهندس ابوالحسن‌نیا گفتند که براساس آمار فعلی ما ۸۶ میلیون هکتار مرتع داریم. وقتی از گردوخاک صحبت می‌شود می‌گوییم پوشش گیاهی ایجاد کنیم؛ مراتع که پوشش گیاهی دارند پس چرا نادیده گرفته می‌شوند و رقمی معادل ۴/۷ میلیارد تومان به آن اعتبار

سال است که از مشارکت مردم حرف می‌زنیم و روزبه‌روز یگان حفاظت را مجهزتر می‌کنیم. مشارکت رکنی دارد که باید در آن به اقتصاد مردم توجه شود. ضروری است که شغل مرتع‌داری را اقتصادی کنیم تا مرتع‌داران با ما مشارکت کنند. در مورد طرح‌های مرتع‌داری با توجه به کمبود منابع مالی، در تهیه طرح‌هایی که یک‌بار برای مدت طولانی اجرا می‌شوند باید دقت بیشتری به‌کار گرفته شود و نکات فنی باید به‌خوبی در آنها لحاظ شود تا برای ۳۰ سال آینده هم بتوان از آنها استفاده کرد.



داده می‌شود؟ پس باید به‌گونه‌ای ثابت شود که مراتع مهم هستند. همچنین گفته می‌شود که یکی از معضلات اساسی کشور آب است. نیمی از بارندگی در مراتع می‌بارد بنابراین مراتع در تنظیم و کنترل آب مهم هستند و باید در مدیریت آنها بیشتر مراقب باشیم. مسئولان باید توجه داشته باشند که مراتع نقش مهمی را در حیات تمام موجودات به‌ویژه انسان‌ها دارند. در مورد مسائل اکولوژیک هم چندین

مورد دیگر روش‌های مرتع‌داری است. با توجه به محدود شدن اعتبارات دولتی و خصوصی، برای هزینه بهینه اعتبارات اگر مرتعی وضع خوب یا متوسطی دارد نباید برای آن هزینه‌ای صورت بگیرد چراکه خود به‌صورت طبیعی احیا می‌شود اما در صورتی که فقیر باشد باید برای آن هزینه شود، به عبارت دیگر در مورد صرف هزینه باید اولویت‌بندی انجام شود. مسئله دیگر، اطلاعات است. بخش تحقیقات، اطلاعات خوبی تولید کرده



است، همچنین دانشگاه یا هر بخش دیگری که مطالعاتی داشته، باید از آنها استفاده شود. برای نمونه در مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، طرح‌های ملی خوب و باارزشی انجام شده است. هیچ دلیلی ندارد که گزارش‌ها در مرکز اسناد بماند و جامعه این قدر از نظر اطلاعات فقیر باشد. نشریات و کتاب‌های خوبی در مؤسسه تدوین شده است که

باید از آنها بهره برد و در تدوین طرح‌های مدیریتی از این تجربیات استفاده کرد. در واقع کارشناسان باید در اغلب طرح‌های اجرایی از این اطلاعات استفاده کنند. مورد دیگر، حیات وحش کشور است که به دلیل تنوع زیستی فراوان و تأمین درآمد برای کشور باید مورد توجه باشد. یک عرصه باید یک نوع دام داشته باشد؛ اهلی یا وحشی. در واقع یک عرصه یک مدیر می‌خواهد، تعدد مدیریت نباید وجود داشته باشد و نمی‌توان پروانه شکار یک عرصه را به یک نفر و پروانه دام همان عرصه را به فرد دیگر داد.

مراتع کشور ما زمانی خصوصی بودند و ملی شدند. اگر قرار است ملی باشند ابزار خاصی نیاز دارند؛ نظارت می‌خواهند، پایش می‌خواهند که باید برای آنها فراهم شود.

بوته‌کنی هم در گزارش‌های گذشته مسئله مهمی بود ولی امروزه کمتر دیده می‌شود مرتعی به خاطر بوته‌کنی تخریب شود. حال سؤال اینجاست که اگر انرژی تمام شود آیا مرتع‌دار باید دوباره

بوته‌کنی کند یا من کارشناس باید چیز دیگری را معرفی کنم؟ در کتاب «مراتع جهان پیشرفت‌ها و چشم‌انداز آینده» مواردی مطرح شده که اگر به آنها پرداخته نشود مرتع‌داری ما در حاشیه قرار می‌گیرد. مثلاً در مورد رشد جمعیت و تأمین امنیت غذایی که به مراتع صدمه می‌زند باید راهکاری اندیشیده شود. در واقع باید از جهانی شدن تجارت و اینترنتی شدن دنیای امروز در مرتع‌داری استفاده و اطلاعات و برنامه‌های خود را به‌روز کنیم. در تغییر اقلیم نیز باید مشخص شود که مرتع‌داری چگونه باید با این واقعیت برخورد کرده و تهدیدها را به فرصت تبدیل کند. در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که برای حفظ مرتع باید اقتصادی عمل کنیم تا مردم با ما مشارکت داشته باشند. لازمه این کار این است که برای آنها جذابیت ایجاد کنیم تا نسل جدید جای نسل قدیم را بگیرد. امروزه دیده می‌شود که مرتع‌داران جوان جایگزین قدیمی‌ها نمی‌شوند. مرتع‌داران باید از نظر اقتصادی قدرتمندتر شوند. در مورد محصولات دامداری در مرتع پژوهش بیشتری باید انجام شود. باید از فناوری روز در اقتصادی کردن مرتع‌داری بهره برد. برای نمونه امروزه تلمبه‌های بادی وجود دارد که هم برق مصرف خانگی را تولید می‌کند و هم آب دام را می‌دهد. این کار می‌تواند در اقتصاد دامداران تأثیر داشته باشد. یا امروز که کشور مشکل کمبود آب دارد از آب سطح چاه‌ها به‌عنوان سطح عایق رایگان می‌توان بهره برد.

طبیعت ایران: متولی این باید‌ها و نبایدها کیست؟

دکتر ارزانی: همه کارشناسان مرتع، چه محقق و دانشجو و چه مدیران و برنامه‌ریزان، همه می‌توانند متولی این کار باشند به طوری که با حضور و حساسیت به موقع به گونه‌ای عمل شود که کسی جرات تخریب مراتع را نداشته باشد.

مهندس مقیمی: بحث ما مرتع و مرتع‌داری است ولی موضوع مرتع بسیار پیچیده بوده و نیاز به جلسات بیشتری برای بحث و بررسی دارد.



طبیعت ایران: آقای مهندس فیاض، جناب عالی به عنوان یک محقق و رئیس بخش تحقیقات مرتع مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، نظرات خود را در این مورد بیان کنید.

مهندس فیاض: ریشه مشکلات فعلی نبود یک راهبرد توسعه مورد اجماع در کشور است. مشکلاتی که قانون در حوزه مرتع ایجاد کرده باعث کاهش سطح مراتع شده و انرژی زیادی نیز از سیستم گرفته است.

در مورد قوانینی که در اختیار منابع طبیعی کشور است، تحقیقاتی را انجام دادیم و طرحی تحت عنوان بررسی کارایی مدیریت‌های کنونی بر مراتع کشور اجرا شد. در این زمینه چند موضوع مطرح است که عبارتند از: تهیه طرح، اجرا و نظارت. در بررسی طرح باید مشخص باشد که طرح با قلمرو اجرا سازگار است یا خیر؟ دوم اینکه آیا با شرایط بهره‌بردار مجری طرح هم سازگار است یا نه؟ و سوم اینکه وضعیت بودجه آن چگونه است؟ در قدم اول که تهیه طرح بود با چند اشکال مواجه شدیم. متأسفانه افراد تهیه‌کننده طرح دقت لازم را به خرج ندادند که مشکلاتی را در اجرا به وجود می‌آورد. همچنین اجرای طرح‌ها با مرتع‌دار است و او باید هر چند وقت یک‌بار گزارشی ارائه دهد که این کار هم انجام نمی‌شد. در مورد نظام بودجه‌ریزی نیز متأسفانه اعتبارات بسیار کم در نظر گرفته می‌شود و همین اعتبارات ناچیز هم در موقع مناسب در اختیار قرار نمی‌گیرد. طرح‌ها نیز معمولاً ۱۰ ساله هستند ولی دو سال بیشتر اجرا نمی‌شوند و در ادامه طرح بعدی آغاز می‌شود و این روند ادامه دارد.

در بحث نظارت نیز بررسی می‌شد که آیا طرح ناظر دارد و اینکه گزارشی ارائه داده است یا خیر؟ اگر گزارشی ارائه کرده ترتیب اثر داده شده یا خیر؟ معمولاً هم گزارش‌های درستی که سیستم را به جلو ببرد وجود ندارد. عمده این مسائل به این موضوع برمی‌گردد که نگاه مدیریت مراتع به برنامه‌ها، پروژه‌ای است و مدیریتی نیست.

طرح تحقیقی دیگری با عنوان امکان‌سنجی واگذاری مدیریت کوچ به عشایر در دست اجراست که سال پایانی را می‌گذراند. بررسی‌ها

نشان می‌دهد بسیاری از موارد مرتبط با پروانه چرا اجرا نمی‌شود. در واقع طرح‌های مرتع‌داری هم در تدوین و هم در اجرا با مشکلاتی مواجه بوده و به شکست انجامیده‌اند.

از طرفی مشکلات دامداران به سایر بخش‌های اقتصادی کشور هم مرتبط بوده و سازمان جنگل‌ها به تنهایی نمی‌تواند مشکلات مردم را حل کند. در واقع اگر بخواهیم این مسئولیت‌ها را از سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور متوقع باشیم باید سازوکار، قوانین و ظرفیت‌های لازم را نیز در سازمان ایجاد کنیم.

مهندس ابوالحسن‌نیا: من همیشه معتقد بودم که مرتع‌داران ما جایگاه اجتماعی مشخصی نداشته‌اند؛ حتی عشایر ما که سرشناس‌ترین دامداران ما هستند در این مملکت جایگاه اجتماعی ندارند. به تازگی بحث انجمن‌های صنفی و اتحادیه‌های صنفی تب‌وتاب زیادی در کشور ایجاد کرده است که اگر این ظرفیت به خوبی هدایت شود می‌توان از آن بهره‌برداری کرد. معتقدیم مشارکت در احیا، اصلاح و حفاظت یک اصل است و در گذشته نادیده گرفته شده است. مرتع‌دار باید از مرتع حفاظت کند. در دوران خدمت خود متوجه شدم دولت اگر هیچ کاری را در مراتع انجام ندهد و فقط کمبود علوفه را برطرف کند مرتع خود به خود اصلاح و احیا می‌شود. امروزه چون اتحادیه‌ها صندوق هم دارند و پول‌های زیادی را جمع‌آوری کرده‌اند دولت می‌تواند با کمک به آنها برای بالا بردن توان اقتصادی، فعالیت‌های مفیدی داشته باشد.

مورد دیگر وجود تشکیلات موازی در یک وزارتخانه است. امروزه سازمان امور اراضی، سازمان امور عشایری و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، در یک وزارتخانه هستند. در واقع سه سازمان در یک وزارتخانه‌اند که هر کدام علیه دیگری کار می‌کنند و متأسفانه این سازمان‌ها رویکرد مشخص و همسویی ندارند.

مهندس مقیمی: جمع‌بندی نظرات و ارائه طریق با توجه به پیچیدگی موضوع مرتع بسیار مشکل است ولی می‌توان گفت که مدیریت و وضع مراتع از چنان وضعیت نابسامانی

برخوردار

است که سامان

بخشیدن به آن، نه از

طریق پیشنهاد بلکه باید با

یک عزم ملی و ارائه راه‌حل

الزام‌آور و تکلیفی صورت گیرد.

در یک نگاه باید برای مدیریت

مراتع راهبردی را داشته باشیم که

پایداری اکولوژیکی، پایداری اقتصادی

و پایداری اجتماعی را برای مراتع و

بهره‌برداران به وجود آورد. اینکه آیا سازمان

جنگل‌ها با این امکانات و وظایف می‌تواند

آن را انجام دهد، خود مقوله دیگری است.

نگاه به گذشته نشان می‌دهد که چنین تغییری

و سامان بخشیدن موضوع مدیریت مراتع

نیازمند اراده‌ای قوی، نواندیشی، آینده‌نگری،

تدبیر و در مجموع سیاست‌گذاری، اتخاذ

رویکرد و ارائه راهبرد جدیدی است. لذا باید

با شهامت در پیچ بزرگی مبادرت به تدوین

نقشه راه جدیدی کرد و آن را مبنای مدیریت

کار قرار داد. بدون تردید تحقق این امر

مستلزم وجود مسئولان بزرگ، آگاه، جدی

و تلاشگر است. حداقل در نیم قرن گذشته

که به اشکال و انحای مختلفی مبادرت به

تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های متعدد برای

مراتع کرده‌ایم فرصت‌های بسیاری به تکرار

مکررات و آزمون آزموده‌ها صرف شده و

کمتر توانسته‌ایم از این تجارب، درس‌های

آموزنده و کارسازی بگیریم؛ اما امروز در

مقطعی از زمان قرار داریم که فرصت دیگری

برای چنین آزمون و خطاهایی وجود ندارد

و در این مرحله باید با عزمی ملی و قصدی

حتمی متناسب با این «پیچ تاریخی»

مبادرت به اتخاذ رویکرد مناسب کنیم.

نشریه طبیعت ایران از حضور شما

در این گفتگوی شفاف کمال

تشکر را دارد و امیدوار است

راهکارهای ارائه شده

مورد توجه مسئولان و

برنامه‌ریزان کشور

قرار گیرد.